

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی

۱۰ جولای ۲۰۱۲

قانون جنگل:

دسایس تراست هسته ئی فرانسوی "آروا" در افریقا

بهای استقلال انرژی ادعائی فرانسه چیست؟

در حالی که در سال ۲۰۱۱ پنجاهمین سالگرد اعلام استقلال کشورهای افریقائی را با سخنرانی های بلند بالای انساندوستانه جشن گرفتند، هنوز نیز نظامی پا برجاست که از زمان استعمار باقی مانده است: حمایت نظامی، دیپلماتیک و مالی از دیکتاتورها و رژیم های استبدادی در آن سامان، در مقابل اولویت هائی که دسترسی آنها را به منابع طبیعی ممکن می سازند. برای این امر بهترین نمونه گروه آروا AREVA و نقش تعیین کننده شبکه فرانس آفریک می باشد که تا کنون به خوبی از عهده عقب انداختن تمایلات دموکراتیک در آن کشورها بر آمده است. معادن آروا در نیجر هنوز نیز یک سوم تولیدات آنجا را به خود اختصاص می دهند، در حالی که آن کشور بیش از پیش در قرضه های خارجی غرق می شود. در فرانسه یک سوم چراغ ها به میمنت اورانیوم نیجر روشن می شوند، در حالی که اکثر اهالی نیجر خودشان فاقد برق هستند. البته برق نیجر در خود این کشور تولید نشده و از کشور همسایه که نیجریه باشد وارد می گردد. افسانه استقلال انرژی فرانسه بهائی دارد و آن را باید انسان هائی بپردازند که محیط زیست و سلامتشان خسران می یابد، کشورشان غارت شده و امیدهایشان برای آینده ای بهتر نقش بر آب می گردد. حتا آب که مایه حیات است آلوده گشته و بهره برداری بیش از اندازه و دزدانه از آب های زیر زمینی اطراف آریلیت در سرزمین طوارق در نیجر موجب گسترش صحرا گشته است.

گروگان گرفته شدن ۵ فرانسوی در پایان سال ۲۰۱۱ در این سرزمین را البته تا حدی باید از سرخوردگی اهالی صحرا و تقسیم ظالمانه درآمد حاصل از استخراج اورانیوم دانست. اما از گفت و گو در این باره در عرصه عمومی جلوگیری شده و به کسی اجازه انتقاد از زد و بند های "آروا" داده نمی شود. و این بدان دلیل است که قراردادهائی وجود دارند که معمولاً شرایط ذکر شده در آنها جزو اسرار می باشند. قراردادهای مزبور با خطرات درازمدتی همراه اند که نسبت بدانها حاشا می گردد. این ها روش هائی است که از سال ها پیش در استخراج معادن مزبور عادی می باشند... : آری بازار برای کار خود حد و مرزی نمی شناسد – به نقل از گلیاز

از زمان بسته شدن آخرین معدن اورانیوم فرانسه در سال ۲۰۰۱، آفریقا برای نیروگاه های این کشور قابل صرف نظر نیست. گروه "آروا" مانند گذشته تحت حمایت بزرگترین سهامدارش که دولت فرانسه باشد و تحت حمایت قانون و با استفاده از نفوذ دولتمردان در سکوت محض به فعالیت های پُرسود خویش ادامه می دهد. اما بهای تمام شده این معاملات برای سلامت مردم و محیط زیست بسیار سنگین است.

گروه "آروا" که تقریباً در ۱۰۰ کشور جهان فعال است به اکثر زمینه های صنایع هسته ئی پوشش می دهد: استخراج اورانیوم، غلیظ نمودن و تصفیه تفالّه آن، مهندسی و ایجاد راکتورهای اتمی و سیستم های کنترل و مراقبت آنها. "آروا"، «این عنصر درخشنده صنایع فرانسه» در سوم سپتامبر ۲۰۰۱ از ادغام دو عامل فوق العاده مهم بخش هسته ئی به وجود آمد: یکی "کوژما" COGEMA (شرکت عامه مواد هسته ئی) که ۱۹۷۶ فعالیت خود را در زمینه استخراج و غلیظ نمودن اورانیم به "سی ای اِ" CEA (اداره نیروی هسته ئی کشور) واگذار نمود و دیگری "فراماتم" FRAMATOM که از ۱۹۵۸ در زمینه ساختن کوره های ویژه برای نیروگاه های اتمی فعالیت می نمود. بدین قرار همه کارها برای تداوم فن آوری اورانیوم با حمایت دولتی و شبکه های «فرانک آفریک» و تداوم روش های به کار بسته تمرکز یافت (به مصاحبه زیر با رافائل گرانوو توجه کنید). اما تاریخچه این گروه فقط از سال ۲۰۰۱ آغاز نمی گردد، بلکه در واقع ادامه توسعه نیروی هسته ئی فرانسه و تاریخچه بنیادی است که مسؤول این کار شده بود: "سی ای اِ" در سال ۱۹۴۵ به خواست ژنرال دوگل برای ایجاد تسلیحات اتمی فرانسه به وجود آمد. به خواست او تولید مواد اولی هسته ئی در بالاترین درجه اولویت قرار گرفت و فرانسه آفریقا را در این زمینه به خدمت گرفت. اما چنان که بعدها روشن شد صنعت هسته ئی تولید برق خطراتی را به همراه داشته و برای مردم کشورهای تولید کننده خسارت بار می باشند.

نخستین منابع عظیم اورانیوم در سال ۱۹۵۶ در مونا (مواندا) واقع در گابن کشف گشتند. گابن آن زمان هنوز یکی از مستعمرات فرانسه در مناطق حاره آفریقا بود. در سال ۱۹۶۱ استخراج این منابع آغاز و ۴۰ سال ادامه یافت که گاهگاه نیز با استفاده از تهدید اسلحه انجام می شود. از جمله در سال ۱۹۶۵ که کارگران معدن به دنبال سانحه ای دست به اعتصاب زدند. در مجموع تا کنون ۲۶ هزار تن مواد گرانبهای کانی از آنجا استخراج کشته است که البته آثاری نیز از آن به جای مانده است.

اهالی اطراف معدن مزبور هنوز نیز با آثار رادیواکتیو استخراج اورانیوم دست به گریبان می باشند: از راه تنفس هوا، استفاده از مواد غذایی و آب مصرفی و نیز به سبب این که بسیاری از ساختمانها با بقایای مواد استخراجی بنا گشته اند. علاوه بر این ها ۲ میلیون تن زباله رادیواکتیو در مجراهای آب ریخته شده و ۴ میلیون تن دیگر توسط COMUF (شرکت معدن اورانیوم فرانسویل) که شعبه COGEMA و پیشگام "آروا" بود، در آن معدنی که حال دیگر متروک می باشند، ریخته شده است. به گفته "برونو آندو" که سرپرست صلیب سرخ آنجاست «در حال حاضر یعنی ۱۳ سال پس از متروک شدن معدن مزبور هنوز نیز کارگران معدن و اهالی منطقه مونا از آثار آن در عذاب اند. بخش آلوده به رادیواکتیو در مناطقی واقع است که مردم، مونیاک را خیس کرده، ماهی گیری می کنند و مسکن آنها در آنجا قرار دارند. بهای واقعی استخراج اورانیوم را باید مردم بومی بپردازند». شرکت COMUF برای همکاری با سازمان نگرهبانی بر میزان تابش اتمی در مونا لایراتوار آنگاده ALGADE را که یکی از مؤسسات وابسته به COGEMA می باشد مأمور نمود، البته با نظارت و تحت کنترل CNPPRI (مرکز دولتی

نگهبانی بر تابش). اما اکنون دیگر هویدا گشته است که طرحی که شرکت COMUF برای مقابله با خطرات احتمالی ارائه نموده است، واقعیات موجود را ماستمالی می کند: طرح مزبور نه با توجه به اطلاعات حاوی در گزارش CNPPRI قابل قبول است و نه کلیه آثار تابش رادیواکتیو را مورد توجه قرار داده است. به گونه ای که "برونو آندو" مدعیست: «در باره اقدامات محافظتی در مقابل تابش، اطلاعاتی که به ما می دهند به گونه ایست که قابل پذیرش نیست. مراقبت اینکار از ۱۰ سال پیش توسط COMUF و CNPPRI انجام می شود. اما نه ادارات محلی و نه اهالی ساکن منطقه از نتایج آن مطلع می گردند. به همین جهت نیز بیانیه های آرامش بخش صادره به حق، مشکوک تلقی می گردند». این ها به خوبی با رویه معمول "آروا" که توسط Omertà و به صورتی تحقیرآمیز برای ساکنین منطقه اعمال می گردد، مطابقت دارد.

بهای واقعی استخراج اورانیوم را باید مردم بومی بپردازند.

استخراج اورانیوم نیجر در سال ۱۹۶۶ در آرلیت آغاز گشت. محل مزبور بین صحرای وسیع افریقا و منطقه ساحل، در بخش متعلق به آگادز، پایتخت قوم طوارق، قرار دارد. در آن جا تا کنون یکصد هزار تن مواد کانی حاوی اورانیوم استخراج گشته است. در سال ۲۰۰۸ سرمایه در گردش شرکت "آروا" ۱۳/۲ میلیارد یورو بوده است، یعنی ۵ برابر درآمد خالص ملی نیجر. برای این مستعمره پیشین فرانسه به لحاظ محیط زیست در سطوح بهداشتی واجتماعی، اوضاع واقعا فاجعه بار است: زباله انبوه، آلودگی زمین، آب و هوا ... "آروا" تحت عنوان «۱۰ وظیفه ما» مدعی است که «ما همه امکانات خود را برای محدود نمودن آثار تابش به کار می گیریم» و به گزارش مؤسسه INRS (انستیتوی نگهبانی بر تابش و امینیت انرژی هسته ای) استناد می کند. مؤسسه مزبور به خاطر وابستگی اش به دولت فرانسه به کرات مورد انتقاد قرار گرفته است. خدمات پزشکی توسط "آروا" صورت می گیرد، اما آنچه مشکوک به نظر می رسد اینست که پزشکان هیچ گونه آثار بیماری را که با تابش در ارتباط باشد تشخیص نمی دهند. نکته دیگر اینست که آب های زیرزمینی در معرض ته کشیدن قرار دارند، زیرا "آروا" آب های زیرزمینی تارات Tarat را که در میان صحرا قرار دارد، پمپاژ می کند.

از سال ۱۹۶۶ در آرلیت و آکوکان که از دیگر شهرهای معدنی است ۲۷۰ میلیارد لیتر آب مصرف شده است. و امروزه نیز روزانه میلیونها لیتر به مصارف مربوطه می رسد. نیجر پنجمین کشور تولید کننده اورانیوم در جهان و از فقیرترین کشورها بوده، عمر اهالی آن به ندرت به ۵۰ می رسد. درآمد سالانه "آروا" ۷۷۰ میلیون دلار و در مقابل آن بودجه سالانه آن کشور فقط ۳۲۰ میلیون دلار است.

شرکت صنعتی "آروا" در ۴۳ کشور جهان شعبه داشته و دامنه فعالیت های آن شامل بر ۱۰۰ کشور می باشد. اما به گونه ای که منطق سودطلبی حکم می کند در سال ۲۰۰۷ "آروا" قصد تصرف شرکت کانادایی اورامین URAMIN را نیز (که در جدیدترین منابع کانی خویش آغاز به کار نموده بود) به بهای سرسام آور ۲/۵ میلیارد دلار نموده، آن را به «منابع جنوب افریقای آروا» تغییر نام داد و در جزایر بریتانیایی Jungferninseln به ثبت رساند، با طرح فاینانس و وضعیت حقوقی انتقال به خارج که از جمله تاریک ترین و غیر قابل نفوذترین انواع ممکن می باشد. با اینحال "آروا" مدعیست که «هیچ گونه کار مشکوکی در فعالیت هایش وجود ندارد»!! البته این را نیز باید افزود که بهای سهام اورامین در نیمه سال پیش از به دست آوردن آن توسط "آروا" ۴ برابر شده بود... به همین جهت این معامله مشکوک به نظر آمده و مدیر آن شرکت، خانم آنه لاونگون، مجبور شد در سال ۲۰۱۱ از پست خویش استعفاء دهد. در ضمن این نیز قابل ذکر است که "آروا" نام خود را مدیون همین خانم می باشد که آن

را از نام معبد اسپانیایی آروالو گرفته بود، که دیگر اثری از بعد معنوی این نام در واقع وجود ندارد. در حال حاضر ظاهراً به خاطر مشکلاتی که به دنبال واقعه فوکوشیما در بازارهای جهانی به وجود آمده اند، ابتیاع اورامین متوقف گشته است. "آروا" همچنین قصد حفاری معادن افریقای مرکزی، نامیبیا و حتی امامور واقع در نیجر را که یکی از پرسودترین اماکن کانی به نظر می آید متوقف نموده است و از این جهت رهبران کشورهای مذکور به شدت ناراضیاتی خویش را اظهار نموده اند. در عوض "آروا" به تحکیم موقعیت خویش در قزاقستان، اردن، مراکش و نیز در مغولستان پرداخته است.

در سال ۲۰۰۷ رئیس جمهور فرانسه سارکوزی از تریپولیس دیداری به عمل آورد که رسماً تحت عنوان «تقویت روابط میان دو کشور» صورت گرفت. در سفر مزبور چند قرارداد محرمانه نظامی منعقد گشته و به علاوه سارکوزی به قذافی قول داد یکی از راکتورهای اتمی "آروا" را رسماً برای تصفیه آب دریا در اختیار لیبیا قرار دهد. اما به طوری که ژاک آتالی در کتاب خویش *Jaques Attali, Economie et apocalypse, trafic et proliferation nucléaire, Fayard, 1995* نوشت «قائل شدن تفاوت میان مواد خام هسته ئی به لحاظ نظامی و غیرنظامی غیر ممکن است (...). از آنجائی که تکنولوژی ها در هر دو بخش مذکور قابل استفاده می باشند، همه گونه تکنولوژی را می توان فروخت و این ظاهر را نیز حفظ نمود که انگار فروشنده به مقاصد صلح آمیز خریدار باور دارد». اینست که هنوز نیز هم نیروگاه های اتمی را به فروش می رسانند...

طبق گزارشی که در ۲۰ اپریل ۲۰۱۱ از جانب هیأت امور ستراتیژیک به وزارت دفاع (فرانسه) عرضه شد «در سی سال آینده قریب به ۲۰ کشور جهان دارای تسلیحات اتمی خواهند بود». لذا با توجه به خطرات فراوانی که به کرات در رابطه با انرژی هسته ئی همراه بوده است و نیز با توجه به بدهی های عظیم کشورهای افریقای می باید بسیجی عظیم علیه ستراتیژی آروا ایجاد گردد. نباید فراموش کرد که این شرکت به میزان ۸۰٪ به کشور فرانسه تعلق دارد.

منابع اورانیوم در سراسر جهان ۲۰۰۹ (ارقام به هزارتن اورانیوم)

قابل توجه:

برای استخراج هر تن سنگ اورانیوم، استخراج ۲۰۰۰ تن خاک ریز رادیواکتیو که در محیط زیست به جای می ماند لازم است. گاز رادون که به هنگام استخراج اورانیوم متصاعد می گردد، سلامت کارگران معدن و ساکنین اطراف را مخدوش می سازد. المان در این زمینه نمونه خوبی را در معادن شهر ویسموت به دست می دهد. به دنبال آلودگی شدید رادیواکتیو در آنجا رقم بالائی از افراد مبتلا به سرطان گشتند. به طوری که تعداد مبتلایان به سرطان ریه بالاتر از ۷۰۰۰ بوده و رقم قربانیان استخراج اورانیوم به بیش از ۲۰۰۰۰ تخمین زده شده است. در افریقا رقم قربانیان مربوطه را با توجه به فقدان آمارگیری و قوانین خفقان بار حاکم به سختی می توان تخمین زد. اما عواقب آن برای سلامت مردم فاجعه بار است.

در حالی که "آروا" مدعیست که در اراضی آرلیت اقدام به بازسازی و سم زدائی نموده است، با توجه به نمونه برداری کمیسیون اکتشافی مستقل برای تابش اتمی CRIIRAD ثابت گشته است که تابش به میزان ۲۰۰۰ برابر مقدار معمول در طبیعت رسیده است. بهره برداری از معادن عظیم ایمامورن Imamouren که بستن آنها را دائم به

تعویق می اندازند، درست در همان وضعی صورت می گیرد که در آرلیت حاکم است، با این تفاوت که وسعت آن جا شرایط مربوطه را بسیار حادثر می کنند. چنین به نظر می رسد که "آروا" قصد دارد به گائین بازگشت نماید. در آنجا بهره برداری از معادن مانونا آثاری داشته است که مردم محل هنوز از آن در عذابند.

در افریقای مرکزی پروژه بهره برداری از منابع باکونا که پس از قصد خرید اورامین در سال ۲۰۰۷ قرار بود جان تازه ای بگیرد، متوقف گشته است؛ در نامیبیا نیز که از همان دورانی که هنوز در استعمار افریقای جنوبی بود فرانسه به لحاظ الومینیوم از آنجا بهره برداری می کند، وضع به همین منوال است. دور زدن قوانین و مقررات امنیتی و بی اعتنائی بدانها علی رغم قطعنامه های سازمان ملل متحد و احکام محکومت دادگاه لاهه کار تازه ای نیست.

در نامیبیا در اراضی ترکوبچه میزان اورانیوم موجود بسیار قلیل است و بر یکصد میلیون سخره های سنگی می باید عملیات شیمیائی صورت گیرد. هر چه میزان عظمت اورانیوم در سنگ معدن کمتر باشد به همان نسب میزان آلودگی محیط زیست بیشتر می شود. اگر در آنجا که از بزرگترین منابع اورانیوم است عملیات استخراج صورت گیرد، می باید منتظر بروز فاجعه محیط زیستی جدیدی بود.

اورامین: مبحث مسکوت مانده – مصاحبه با رافائل گرانوو

در این مصاحبه گرانوو افسانه استقلال انرژی فرانسه را باطل نموده و شرح می دهد که در چه شرایطی این کشور و شرکت "آروا" در افریقا بیش از هر جای دیگر سنگ اورانیوم به دست می آورند. (۱) وی که عضو سازمان سوروی Survie می باشد در کتاب «آروا در افریقا، چهره تاریک انرژی هسته ای فرانسه» (۲) به گونه ای مستند و سازش ناپذیر سیاست دولت فرانسه و عواقب آن را بر ملا می سازد.

شما در کتاب خود ثابت می کنید که استقلال انرژی فرانسه جز افسانه ای بیش نیست. اتکاء شما بر چه عواملی است؟

رافائل گرانوو: چهل سال است که افسانه استقلال انرژی فرانسه را مرتب مدیون انرژی هسته ای قلمداد می کنند. این افسانه ایست بسیار قوی و پا برجاست. مقامات رسمی میزان استقلال انرژی را با اتکاء بر تحریفات مختلفی مطرح می سازند: از جمله یکی از این تحریفات این است که واردات اورانیوم را جزو واردات مواد خام دانسته و به حساب واردات انرژی نمی گذارند. اما از زمانی که آخرین معدن اورانیوم فرانسه در سال ۲۰۰۱ بسته شده است، کلیه اورانیوم مصرفی در نیروگاه های ما وارداتی است. و البته پیش از آن نیز بخش اعظم اورانیوم ما وارداتی بوده است. از نظر تاریخی اورانیوم بدو از افریقا وارد می شد، ابتداء از گائین و سپس از نیجر. البته "آروا" از منابع دیگری در جهان نیز بهره برداری می کند. اما هنوز هم ثلث تولیدات آن محصول نیجر است. در چنین شرایطی فقط در صورتی می توان از استقلال انرژی سخن گفت که فرض بر این باشد که گنجینه های زیرزمینی مستعمرات سابق فرانسه هنوز نیز متعلق به این کشور می باشد. رویکرد مزبور همچنین این را که اورانیوم افریقا چه نقشی در تاریخچه انرژی هسته ای فرانسه بازی کرده است، مسکوت می گذارد. این ها را من کوشیده ام در کتاب خود روشن سازم.

آیا ممکن است شما آن مناسبات سیاسی را که فرانسه و "آروا" با استفاده از آنها انرژی هسته‌ای نظامی و غیر نظامی خود را تأمین کرده‌اند، توضیح دهید؟

فرانسه به خاطر این که پس از اعلام استقلال کشورهای افریقائی انرژی خود را تأمین نماید در گائین و نیجر مستبذترین و برای منافع خود مناسب ترین رژیمها را نصب کرد. بر گائین مدتی طولانی عمر بونگو حاکم بود که به جایش اخیراً پسرش نشسته است. در نیجر فرانسه ابتداء هامانی دیوری را بر سر قدرت آورد، البته پس از آن که خود را از رهبر جنبش استقلال طلبانه، باکاری جیبو، خلاص کرده بود. زمانی که هامانی دیوری در سال ۱۹۷۴ قصد چانه زدن بر سر بهای اورانیوم را داشت، وی با کمال رضایت فرانسه از کار بر کنار شد و آنها توسط افسرانی که توسط استعمارگران فرانسوی تربیت شده بودند. در سال ۱۹۹۶ مجدداً به کمک فرانسه کودتائی نظامی علیه دولت غیرنظامی نیجر به پا شد. و زمانی که چندی پیش یعنی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بهای اورانیوم در بازارهای جهانی بسیار بالا رفته بود، نبردی میان رژیم ممدو تانجا از یک سو و "آروا" و دولت فرانسه از سوی دیگر در گرفت. این از یک جهت به وضعیت سال ۱۹۷۴ شباهت داشت که دولت نیجر از فرانسه خواهان پرداخت بهای بسیار بیشتر در قبال اورانیوم شده بود. اما این بار "آروا" نسبت به بهای پرداختی تا حدی انعطاف نشان داد، زیرا شرکت مزبور ابقای بهره برداری از بزرگترین منابع اورانیوم افریقا در امامورن را در مد نظر داشته و از رقابت با چین می ترسید. برای این که "آروا" پیروز شود، سارکوزی ابتداء به نیجر پرواز نموده و به کودتای قانون اساسی ممدو تانجی که قصد داشت در دور بعدی نیز بر سر قدرت بماند چراغ سبز نشان داد. اما پس از این که فرانسه معادن مزبور را به دست آورد، دیگر لزومی ندید در مقابل کودتائی که علیه تانجی صورت گرفت اقدامی صورت دهد. پس از ۴۰ سال دخالت فرانسه در امور داخلی نیجر یک امر ثابت شده است: فقط بخش اندکی از بهای اورانیوم نصیب دولت نیجر شده است، به علاوه مردم آن خطه از آن بهره ای نبرده‌اند، بلکه سوداگران پشت پرده حکومت های نظامی که تحت حمایت فرانسه قرار داشتند به قرضه های خارجی افزوده و کشور را به روز سیاه کشاندند.

آروا برای تحقق اهداف صنعتی خویش بر کدام شبکه ها و روابطی تکیه می کند؟

از همان ابتداء مهره های اصلی توسعه نیروی هسته‌ای و نظام استعمار جدید که پس از اعلام استقلال در کشورهای افریقائی بر سر کار آمدند، ثابت بودند. دوگل CEA را به وجود آورد و با همکاری فکارت Foccart آنچه را که پس از آن فرانک آفریک نامیده شد بنیان گذاری کرد. آنگاه پیر گیلومات که بانی برنامه اتمی فرانسه بود اولین رئیس شرکت نفت اِلف شد... اما رئیس جمهور فرانسه امروزه مانند گذشته بالاترین حامی انرژی هسته ای است، چه در زمینه تهیه منابع کانی و چه در زمینه ایجاد نیروگاه های جدید. لذا شرکت "آروا" نیز درنگی نخواهد کرد در این که رادیواکتیوترین عناصر شبکه سوخت هسته‌ای خود را بازسازی نموده، موقعیت خویش را به هنگام رویداد مشکلات تحکیم نماید. به عنوان نمونه هنگامی که بحرانی میان ممدو تانجا و "آروا" بروز نمود، این شرکت به سراغ شخصیت هائی رفت که در زمینه دیپلماسی غیر رسمی دارای تجربه بودند و هنگامیکه یک جنبش شورشی جدید به نام جنبش عدالتخواه نیجری که بخش طوارق آن قوی بود، سر بر آورد، "آروا" سرهنگی به نام دنامور را که پیش از آن وابسته نظامی سفارت فرانسه در نیجر بود، برای مقابله با آن تجهیز نمود. "آروا" همچنین دومینیک بین را به مدیریت فعالیت های خود در نیجر منصوب نمود: دیپلمات مزبور یکی از اعضاء پیشین واحد افریقائی ریاست جمهوری فرانسه بود. هر دوی این ها به زودی به عنوان اشخاص نامطلوب در نیجر اعلام

گشتند. و این امری است که تا کنون در هیچیک از مستعمرات پیشین فرانسه سابقه نداشته است. این دو همچنین متهم گشتند به این که روابط مشکوکی با جنبش عدالتخواه آن کشور برقرار نموده اند. در نقاط دیگر نیز عناصر مذموم شبکه فرانک آفریک بازسازی شده اند، از جمله یک گروه سه گانه برای واسطگی در به دست آوردن معادن جدید در افریقای مرکزی و در جمهوری دموکراتیک کنگو: پاتریک بالکانی که نماینده لوالوا پرت در پارلمان فرانسه و از نزدیکان سارکوزی بود و درست مانند سارکوزی مراحل ترقی خود را در سایه شارل پاسکو آغاز نمود، و یک سوادگر بلژیکی به نام ژرژ فرست که کنسول دوم فرانسه در لومومباشی و به «ولیعهد کاتانگا» ملقب گشته بود، و نیز فابیان سینگیاه که یکی از جاسوسان سابق رواندائی بود و با باندی که مسؤول کشتار جمعی توتسی ها در رواندا بود ارتباط داشت...

شما راهکار ارتباطاتی "آروا" را چگونه توصیف می کنید؟

راهکار ارتباطاتی "آروا" اینست که واقعیت ها را تاجائی که هیچ معنائی دیگر از آنها نماند، نفی می کند و به سادگی نیز قابل توصیف است. استخراج اورانیوم یکی از فعالیت های به غایت خطرناک است. هر یک از واحدهای این صنعت برای محیط زیست خسارت بار بوده و معمولاً بدون رعایت حال مردم محل انجام می شود. اما به هنگام استخراج اورانیوم ریسک های ویژه ای که به تابش رادیواکتیو مربوط می شوند، نیز افزوده می گردد که به عمد از جانب "آروا" مسکوت می مانند. اینجا ما با موضوعی سر و کار داریم که در رابطه با مکان های نیروگاه های اتمی بوده و درست به خاطر حد اکثر سود آوریشان به عمد از این امور سخنی گفته نمی شود. استخراج اورانیوم زمین، آب و هوا را به نحو غیر قابل برگشتی مسموم می سازد. مردم محل با آب آلوده زندگی می کنند و فلزات مستعمل را برای ضروریات زندگی خویش به کار می گیرند و بدین صورت کلیه آن منطقه آهسته آهسته، اما به حتم مسموم می گردند و "آروا" مسلماً نمی خواهد که این حقایق نام این شرکت و نیز نیروی هسته ئی را تحت الشعاع قرار دهند. البته اولین کسانی که صدمه می بینند معدنچیان می باشند که تا جائی که ممکن است آنها را نسبت به خطرات مربوطه در نا آگاهی می گذارند - ابتدائی ترین اقدامات ایمنی در سال های دهه ۹۰ اتخاذ گشتند. "آروا" در طول ۴۰ سال بهره برداری حتا در یک مورد نیز حاضر نشده است آلودگی، سرطان و یا سایر بیماری های شغلی معدنچیان را بپذیرد. در این زمینه قانون سکوت محض برقرار گشته است.

چگونه می توان به این «سیسم آروا» پایان داد؟

من در کتابم به خود اجازه نمی دهم راه حل ساده ای را پیشنهاد کنم. فقط امیدم به این است که این کتاب بتواند به تقویت استدلال مخالفان نیروی اتمی یاری رساند و آنها به خسارات سیاسی، اجتماعی، بهداشتی و محیط زیستی که "آروا" در افریقا با استخراج اورانیوم موجب می گردد، توجه نموده و آگاه گردند. در حال حاضر ۸۰٪ سرمایه "آروا" در دست دولت فرانسه است. بنابراین سیاست آن از جانب مأموران دولتی تأیید می گردد و به همین دلیل نیز شهروندان فرانسوی حق دارند روی آن حساب باز کرده و علیه آن نیروی خود را بسیج نمایند. همچنین آنها باید روابطشان را با جنبش های موجود تقویت نموده، از خواسته های آنها در رابطه با اقدامات ایمنی، پرداخت مخارج درمانی خسارات وارده، به دست آوردن حاکمیت آنها بر ثروت های ملی شان، شفافیت سرمایه گذاری و غیره مطلع گردند. این ها را مجمع «آروا نباید در نیجر هر کاری می خواهد بکند» هدف خویش قرار داده است. (۳) من به سهم خود کنار گذاردن فعالیت های اتمی را ساده ترین و مطمئن ترین راه برای پایان دادن به سیاست غارت و دخالتی که

تحت عنوان «استقلال انرژی» اعمال می‌گردد، می‌دانم. مسلم است که تصمیم‌گیری روی این که آیا بهره‌برداری از زمین نیجر ادامه یابد یا خیر حق ملت نیجر است. اما ما باید این تقاضا را مطرح سازیم که این گفت‌وگوها دیگر توسط «آروا» و دولت فرانسه مسکوت گذاشته نشود.

پاورقی‌ها:

(۱) انجمن «سوروی» که در سال ۱۹۸۴ تأسیس گشت، علیه تداوم اتصال میان فرانسه و مستعمرات پیشین آن معترض است. هدف «سوروی» تقویت روابط دگرگونه ایست که حاکمیت کشورها و انتخاب مردم را رعایت نماید.

(۲) عنوان کتاب: Raphaël, «Areva en Afrique, une face cachée du nucléaire français», Granvaud, 2012, Agone, 14 €. در آروا در آفریقا، چهره تاریک انرژی هسته‌ای فرانسه، رافائل گرانوو، ۲۰۱۲، انتشارات آگونه، ۱۴ یورو

(۳) مجمع فرانسوی «Areva ne fera pas la loi au Niger» (آروا نباید در نیجر هر کاری می‌خواهد بکند) در سال ۲۰۰۸ برای کمک به ملت‌های خسارت دیده از استخراج اورانیوم و اعتراض به عواقب فاجعه بار سیاست انرژی ما که عبارت از آلودگی رادیواکتیو محیط زیست می‌باشد، تأسیس گشت. فعالیت‌های این مجمع با این هدف صورت می‌گیرند که مسئولیت فرانسه، اتحادیه اروپا و جامعه بین‌الملل را به آنها گوشزد نماید.

نوشته اوا لاکوست، برگرفته از گلیاز، ۹ جون ۲۰۱۲

<http://www.golias-editions.fr/article5055.html>

Frankafrika – فرانس آفریقا